

اصول سیاست‌گذاری حقوق مالکیت فکری برای تأمین نیازهای توسعه‌ای مبتنی بر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، با نگاهی به تجربه هند

تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۲۸

محسن صادقی^۱

چکیده

کشورهای درحال توسعه و واردکننده آثار ادبی، هنری و کالاهای صنعتی، باید چارچوب مشخصی برای سیاست‌گذاری حوزه حقوق مالکیت فکری خود در نظر بگیرند که نیازهای توسعه‌ای‌شان نیز به‌خوبی در آن ملحوظ گردد. با این حال آنچه تهیه چارچوب سیاست‌گذاری را دشوار و حساس می‌سازد، آن است که کشورهای درحال توسعه باید در کنار توجه به نیازهای توسعه‌ای خود، حداقل استانداردهای بین‌المللی مندرج در اسناد لازم‌الاتباع را رعایت کنند. موارد مذکور در خصوص سیاست‌گذار کشورمان نیز صدق پیدا می‌کند. این نوشتار درصدد است به این پرسش پاسخ دهد که مهم‌ترین اصول حاکم بر سیاست‌گذاری حقوق مالکیت فکری برای تحقق نیازهای توسعه‌ای کدامند؟ آیا این اصول مورد توجه سیاست‌گذار کشورمان بوده است؟ فرضیه قابل اثبات این مقاله آن است که در برخی زمینه‌ها به این اصول توجه شده، اما در کشور ما به‌صورت منقح‌شناسایی نشده و در مواردی مورد عنایت سیاست‌گذاران نبوده است. برای پاسخ به سؤالات و اثبات فرضیه فوق، مطالب این نوشتار را در پنج بخش عرضه داشته و در هر بخش، به یکی از اصول بایسته حاکم بر سیاست‌گذاری حقوق مالکیت فکری پرداخته شده و به تجربه کشور هند در این زمینه اشاره می‌شود. در پایان نیز راهکارهای کاربردی پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: اصول سیاست‌گذاری، حقوق مالکیت فکری، ایران، هند، نیازهای توسعه‌ای، الگوی پیشرفت.

مقدمه

حقوق مالکیت فکری، مجموعه قوانین و مقررات ناظر بر حمایت از آفریده‌های فکری است که به صاحبان این اموال، این حق انحصاری را اعطا می‌کند که استفاده دیگران از این مال را منع یا تجویز نماید. این سلسله حقوق، به دلیل ارتباط تنگاتنگ با مباحث حقوقی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، در سال‌های اخیر از چالش‌برانگیزترین موضوعات حقوقی به شمار می‌آید. منشأ این چالش به این امر باز می‌گردد که از یک‌سو حمایت از نوآوری‌های فکری، برای افزایش انگیزه در پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری و صنعتی ضروری است؛ ضمن آنکه موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، به‌خصوص موافقت‌نامه تریپس سازمان جهانی تجارت (WTO)^۱، کشورهای عضو سازمان را به حمایت از حقوق مالکیت فکری ملزم ساخته است.

از سوی دیگر، مطالعات تجربی حاکی از آن است که به دلیل انحصاری که از این حقوق به دست می‌آید، منافع اجتماعی و اقتصادی آن بیش از آنکه به نفع کشورهای درحال توسعه و واردکننده اموال فکری باشد، تأمین‌کننده منافع اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته و تولیدکننده دانش فکری بوده است (Hardin, 1968, 1243&4).

این دو عقیده افراطی به نظر می‌رسد و امروزه عقیده غالب بر این است که با توجه به الزام موافقت‌نامه تریپس سازمان تجارت جهانی، کشورها ناگزیر از حمایت از اموال فکری هستند. اما در این بین، بی‌گمان کشورهای درحال توسعه‌ای موفق خواهند بود که ضمن انطباق خود با استانداردها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی الزام‌آور، حقوق مالکیت فکری را ابزاری برای تأمین نیازهای توسعه‌ای خویش قرار دهند. اینجاست که اهمیت و حساسیت سیاست‌گذاری در حوزه حقوق مالکیت فکری نمود پیدا می‌کند؛ زیرا سیاست‌گذاران یک کشور باید با در نظر گرفتن یک سلسله «اصول سیاست‌گذاری»، جمیع جوانب حقوقی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را لحاظ، و قوانین و مقررات راجع به حقوق مالکیت فکری را به گونه‌ای طراحی کنند که به توسعه آن کشور در سطح داخلی و بین‌المللی بینجامد. منظور از «اصول سیاست‌گذاری» در بخش حقوق مالکیت فکری، مجموعه قواعد و خط‌مشی‌های کلی است که سیاست‌گذاران یک کشور بر اساس آن، به

1. World Trade Organization.

وضع مقررات لازم در باب حقوق مالکیت فکری می‌پردازند؛ به گونه‌ای که سایه این سیاست‌های کلی، بر سر تمامی مقررات و قوانین این حوزه گسترانیده شود. در تهیه این اصول و خط‌مشی‌ها، گروه‌های مختلف درگیر با اموال فکری، نظیر کارشناسان ادارات ثبت مالکیت صنعتی و مالکیت ادبی و هنری، قضات، پزشکان و صاحبان صنایع مانند صنعت نشر و دارو، می‌توانند دخیل باشند که از مجموع نظر آنها در مورد نیازها و ضرورت‌های موجود و آینده، اصولی کلی در باب مالکیت فکری استخراج شده، و قانون‌گذار بر اساس همین اصول کلی، به وضع مقررات لازم در باب حمایت از مالکیت فکری و استثنائات وارد بر آن می‌پردازد.

در این میان، با توجه به جدید بودن این رویکرد به حقوق مالکیت فکری در ایران، استفاده از مطالعه تطبیقی در کشورهای موفق می‌تواند بسیار راهگشا بوده و علاوه بر ارزش علمی، فواید کاربردی بی‌نظیری را به همراه داشته باشد.

هند یکی از موفق‌ترین کشورهای در حال توسعه است که توانسته با استفاده از ابزارهای قانونی و سیاست‌گذاری‌های قابل توجه، ضمن رعایت استانداردهای سازمان تجارت جهانی، با کسب امتیازات قابل توجه به نفع خود، نیازهای توسعه‌ای خود را در سطح داخلی تا حد زیادی محقق سازد و در سطح بین‌المللی نیز به یکی از کشورهای پیشگام در تنظیم مقررات مالکیت فکری به نفع کشورهای در حال توسعه بدل شود. در هر حال، تاکنون در ادبیات حقوقی کشورمان مقاله مستقلی به بخش شناسایی اصول سیاست‌گذاری حقوق مالکیت فکری ایران با رویکرد تأمین نیازهای توسعه‌ای و الگوی پیشرفت نوشته نشده است.^۱ لذا این مقاله ضمن تلاش برای

۱. در کتاب حمایت از ابداعات دارویی و الحاق به سازمان تجارت جهانی، تألیف محسن صادقی، به برخی سیاست‌های کلی در زمینه حمایت از ابداعات دارویی اشاره شده، اما این سیاست‌ها فقط مختص بخش دارویی بوده است. همچنین در پایان‌نامه آقای عزیزی مرادپور، با عنوان سیاست‌های عمومی دولت‌ها در حمایت از حق اختراع، به برخی سیاست‌گذاری‌ها اشاره مختصری شده است. اما مطالب پایان‌نامه مذکور مختص حق اختراع بوده و تأکید ویژه‌ای بر تجربه کشور ایران یا کشور خاص دیگری ندارد. به طور کلی در ادبیات مالکیت فکری در کشور ما، بیشتر بر تبیین مفاد قوانین موجود یا بیان جنبه‌های شکلی یا ماهوی حمایت از مصادیق اموال فکری، یعنی مالکیت ادبی و هنری و مالکیت صنعتی تأکید شده و جای سیاست‌گذاری خالی به نظر می‌رسد؛ از این رو امید می‌رود که این مقاله بتواند بخشی از این خلأ را مرتفع سازد.

رفع این خلأ تحقیقاتی، می‌کوشد به این پرسش‌ها پاسخ دهد که: سیاست‌گذاری بایسته حقوق مالکیت فکری، تابع چه اصولی بوده که این کشور را به کشوری موفق در این زمینه تبدیل کرده است؟ آیا حمایت از حقوق مالکیت فکری اساساً می‌تواند تأمین‌کننده نیازهای توسعه‌ای باشد یا با آن تعارض دارد؟^۱ نویسنده مقاله حاضر برای ارائه پاسخ علمی و کاربردی به این پرسش‌ها و اثبات این فرضیه که می‌توان میان حمایت از مالکیت فکری و تأمین نیازهای توسعه‌ای اجتماع برقرار ساخت، مطالب خود را در پنج گفتار ارائه خواهد داد.^۲ در پایان نیز بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه تطبیقی، توصیه‌های سیاستی روشنی به سیاست‌گذاران کشورمان پیشنهاد می‌گردد؛ به‌ویژه آنکه ایران برای عضویت دائم در سازمان جهانی تجارت،^۳ باید مقررات مالکیت فکری خود را با اصول موافقت‌نامه ترپس این سازمان، سازگار کند و در کنار آن، به عنوان کشوری در حال توسعه، سیاست‌گذاری‌های مالکیت فکری را با نیازهای توسعه‌ای خویش همسو سازد.

۱. سیاست‌گذاری بایسته در قبال دایره موضوعات مشمول حمایت مالکیت فکری و

مدت حمایت از آنها

یکی از کلیدی‌ترین سیاست‌گذاری‌ها در حوزه حقوق مالکیت فکری، تعیین مصادیق و موضوعات قابل حمایت است. برای بیان اهمیت و حساسیت این سیاست‌گذاری، ذکر توضیحاتی مقدماتی، مفید و ضروری است. چنان‌که گفتیم، حقوق مالکیت فکری، یک سلسله حقوق انحصاری را به پدیدآورندگان و صاحبان اموال فکری اعطا می‌کند که به موجب آن، صاحب حق دارای اختیار انحصاری منع یا تجویز استفاده دیگران از آن مال خواهد شد. بر اساس این ساختار،

۱. ذکر این نکته ضروری است که سیاست‌گذاری مالکیت فکری شامل حوزه‌های مختلفی، چون اصول حاکم بر آن و مرجع سیاست‌گذاری می‌شود که برای جلوگیری از اطاله کلام، گستره این مقاله، محدود به اصول کلی حاکم بر سیاست‌گذاری خواهد بود.

۲. اصول حاکم بر سیاست‌گذاری، بسیار متعدّدند؛ اما برای جلوگیری از حجیم شدن مقاله، به تبیین مهم‌ترین و کاربردی‌ترین اصول اکتفا شده است؛ لذا برای تشریح بهتر موضوع و افزایش جنبه کاربردی مقاله، در مورد هر اصل کلی، مصادیق و نمونه‌هایی بیان می‌گردد.

۳. ایران در خردادماه سال ۱۳۸۴ به عضویت ناظر سازمان جهانی تجارت درآمد.

کشورهای توسعه‌یافته و تولیدکننده اموال فکری می‌کوشند موضوعات مشمول مالکیت فکری را توسعه دهند؛ زیرا از این طریق، صاحب قدرت انحصاری بیشتر و طبیعتاً نفع اقتصادی بیشتری می‌شوند؛ چراکه می‌توانند بر اساس نظام حمایت مالکیت فکری، محصولات مشمول حمایت را به کشورهای درحال توسعه صادر کرده و با منع کشورهای واردکننده از تقلید یا ساخت این محصولات، سود قابل توجهی به دست آورند. از سوی دیگر، کشورهای درحال توسعه به عنوان کشورهای مصرف‌کننده اموال فکری، نفع خود را در این می‌بینند که دایره موضوعات مشمول حمایت را هر چه بیشتر مضیق سازند تا از این طریق بتوانند بدون مشکل حقوقی، به کپی کردن محصولات و فناوری‌های سایر کشورها پرداخته و از مزایای آن بهره‌مند شوند. این چالش، سال‌هاست که موضوع اصلی حقوق مالکیت فکری بوده و در آینده نیز خواهد بود. برای برون‌رفت از این وضعیت، صاحب‌نظران کشورهای توسعه‌یافته با استناد به دلایلی چون تأثیر مثبت حمایت از مالکیت فکری بر افزایش انگیزه مبتکران و مخترعان (Fisher, 2015, pp 1 & seq)، نقش این حمایت در جلب سرمایه‌های خارجی (A. Primo Braga and Fink, 1998: 172) و کمک به انتقال فناوری‌های نوین به کشورهای مختلف (Maskus, 2005:41-74) سعی در اقناع کشورهای درحال توسعه به حمایت بیشتر از مالکیت فکری و توسعه دادن موضوعات مشمول حمایت یا مدت حمایت از آنها داشته‌اند و در مقابل، بسیاری از اندیشه‌پردازان وابسته به کشورها درحال توسعه، با غیرواقعی دانستن مزایای مذکور و طرح معایب حمایت از مالکیت فکری، مانند افزایش انحصار به نفع کشورهای توسعه‌یافته، افزایش شکاف اقتصادی و توسعه‌ای میان کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته (Ghosh, 2007: 886) و محروم شدن بسیاری از مردم کشورهای درحال توسعه از مزایای دانش نوین مانند داروها و کتاب‌های جدید (Cohen, 2006: 2 and seq)، از سیاست‌گذاران کشورهای درحال توسعه خواسته‌اند نظام حمایت از مالکیت فکری را نپذیرفته یا قالب حمایتی دیگری را جایگزین آن کنند (See: Shavell and Van Ypersele, 2001: 525).

در میان این دو راهکار افراطی و تفریطی، راهکار بینابینی پذیرفته شده است که به موجب آن، معیارهایی کلی برای تعیین موضوعات مشمول حمایت مشخص گردیده‌اند تا از یک‌سو

کشورهای درحال توسعه مکلف به حمایت از مالکیت فکری شوند و از سوی دیگر، کشورهای توسعه یافته حق الزام کشورهای درحال توسعه به حمایت از مصادیق بیشتر را نداشته باشند. این راهکار در موافقت نامه جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس)^۱ سازمان جهانی تجارت درج گردیده و به علت عضویت اکثر کشورهای جهان در سازمان تجارت جهانی، این راهکار مورد تبعیت قانون گذار غالب کشورها قرار گرفته است. برای تبیین بهتر موضوع، به دو نمونه عملی، یکی در زمینه دایره موضوعات مشمول حمایت و دیگری در زمینه مدت حمایت، اشاره می کنیم.

الف) در حوزه اختراعات، طبق بند ۱ ماده ۲۷ موافقت نامه تریپس، هر نوع فراورده (محصول) یا فرایند (شیوه ساخت محصول)^۲ در صورتی که دارای سه ویژگی اساسی، یعنی جدید بودن، ابتکاری بودن و قابلیت کاربرد صنعتی باشد،^۳ قابل حمایت است. بر همین اساس قانون گذار هندی نیز در قانون ثبت اختراع خود، فقط فراورده ها و فرایندهای دارای سه ویژگی مذکور را قابل حمایت دانسته است، نه موضوعات فراتر از آن را. در این میان، آمریکا و کشورهای توسعه یافته اتحادیه اروپا بعد از آنکه نتوانستند در خلال مذاکرات تهیه تریپس، به علت مخالفت شدید کشورهای درحال توسعه، دایره حمایت تریپس را از فراورده ها و فرایندها فراتر ببرند،^۴ از

1. Agreement on Trade Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPs) .

۲. منظور از فرایند، نحوه ابداع یا ساخت یک محصول و مراد از فراورده، محصول ساخته شده می باشد.
۳. مقصود از جدید بودن اختراع آن است که محصول اختراع شده، در فن یا صنعت قبلی پیش بینی نشده باشد. فن یا صنعت قبلی شامل هر اختراعی می شود که در نقطه ای از جهان از طریق انتشار کتبی یا شفاهی یا از طریق استفاده عملی یا هر طریق دیگر قبل از تقاضا یا در موارد مقتضی، قبل از تاریخ حق تقدم ناشی از اظهارنامه متقاضی ثبت اختراع محصول برای عموم افشا شده باشد. مراد از داشتن گام ابتکاری در مورد یک اختراع آن است که محصول ابداع شده، برای شخص دارای مهارت معمولی در آن فن خاص، معلوم و آشکار نباشد. بنابراین شرط جدید بودن با شرط داشتن گام ابتکاری، متفاوت است؛ زیرا ممکن است محصولی به رغم جدید بودن، برای یک فرد دارای مهارت، معلوم و بدیهی بوده و وصف گام ابتکاری را دارا نباشد. منظور از داشتن کاربرد صنعتی نیز این است که آن ابداع، در صنعت خاص، قابل ساخت بوده و بتوان از آن استفاده کرد. برای مطالعه بیشتر ر.ک: (Domeij, 2000: 19&seq).
۴. به تعهدات فراتر از تریپس، اصطلاحاً تریپس پلاس (TRIPs Plus) اطلاق می شود.

طرق دیگر مانند موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه با این کشورها، درصدد الزام آنها به حمایت از موضوعات دیگری، مانند کاربردهای جدید دارویی^۱ برآمده‌اند که تاکنون به نتایج قابل توجهی رسیده‌اند که نمونه آن را در موافقت‌نامه آمریکا با تایوان می‌توان دید (Kumar, 2002: 24). با این حال قانونگذار هندی نه تنها در قانون ثبت اختراع، صراحتاً کاربردهای جدید دارویی را از شمول موضوعات مشمول حمایت مستثنی کرده، بلکه در موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه، از پذیرش تعهد به حمایت از این کاربردها خودداری ورزیده است؛ چراکه سیاست‌گذاران هندی به‌درستی بر این باورند که حمایت از کاربردهای جدید دارویی با حقوق بشر مغایرت دارد؛ زیرا باعث افزایش قیمت دارو و دشوارتر شدن دسترسی بیماران فقیر هندی به درمان و دارو می‌شود (Balasubramanian, 2002:190).

در ایران قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶، فرایندها و فراورده‌ها را به شرط داشتن سه وصف جدید بودن، داشتن گام ابتکاری و کاربرد صنعتی مشمول حمایت می‌داند؛ اما صراحتی در مورد عدم حمایت از سایر مصادیق، خصوصاً مصادیق چالش‌برانگیزی چون کاربرد جدید دارویی ندارد. این عدم صراحت، باعث می‌شود گروهی که نفع مادی خود را در حمایت از کاربردهای جدید دارویی می‌بینند، قانون را به گونه‌ای تفسیر کنند که این موضوع را یکی از مصادیق فرایندها یا فراورده‌های مشمول حمایت قانون بدانند؛ تفسیری که بی‌شک به نفع ایران نخواهد بود. برای رفع این تشنگی در تفسیر، بهترین راهکار استفاده از تجربه هند است که قانون‌گذار در زمان اصلاح قانون ۱۳۸۶، عدم حمایت از کاربرد جدید دارویی را مورد تصریح قرار دهد؛ خصوصاً آنکه از منظر موافقت‌نامه تریپس، اگر یکی از کشورهای عضو بخواهد

۱. «کاربرد جدید دارویی»، بدین معناست که برای محصول قبلاً شناخته‌شده - اعم از اینکه دارای استفاده دارویی بوده است یا نه - کاربرد دارویی جدیدی شناسایی شود. بنابراین شناسایی کاربرد جدید دارویی شامل دو صورت است: صورت اول، ناظر به موردی است که برای یک ماده قبلاً شناسایی شده و فاقد کاربرد دارویی، کاربرد دارویی اعم از اثر درمانی (Therapeutic) یا تشخیصی (Diagnostic) شناسایی شود. این حالت را در اصطلاح، «نخستین تجویز (First Indication)» می‌نامند. اما صورت دوم که اصطلاحاً «دومین تجویز (Second Indication)» نام دارد، ناظر به موردی است که برای یک فراورده دارویی که قبلاً شناسایی شده و دارای یک یا چند استفاده دارویی مشخص بوده است، کاربرد دارویی جدیدی شناسایی شود. (صادقی: ۱۳۸۹، صص ۱۷۹ و ۱۸۰).

استثنائی را بر موضوعات مشمول حمایت وارد کند، باید آن را در قانون داخلی خود پیش‌بینی کند؛ وگرنه در صورت سکوت قانون نمی‌تواند از امکان استثنا بهره ببرد.

ب) تلاش دیگر کشورهای توسعه‌یافته برای گسترش انحصارات ناشی از مالکیت فکری، تلاش برای افزایش مدت حمایت انحصاری از موضوعات مشمول حمایت بود؛ زیرا موافقت‌نامه تریپس فقط حداقل‌های مدت حمایت را ذکر کرده، ولی برای حداکثر مدت حمایت، زمانی مقرر نداشته و دست قانون‌گذار داخلی کشورها را برای حمایت در مدت بیشتر باز گذاشته است. در این میان، برخی کشورهای توسعه‌یافته متناسب با منافع اقتصادی خود در برخی محصولات که در آنها دارای مزیت رقابتی هستند، مدت‌های طولانی‌تری را برگزیده‌اند. برای مثال، کشور ایتالیا که خود از تولیدکنندگان بزرگ دارو در جهان به شمار می‌آید، به جای حمایت بیست‌ساله از مخترعان دارویی، به حمایت ۳۸ ساله مبادرت ورزیده است. برعکس، سیاست‌گذاران هندی این سیاست را با نیازهای توسعه‌ای خویش همسو ندانسته و همان حداقل الزامی، یعنی بیست سال را پذیرفته‌اند (صادقی، ۱۳۸۷: ۳۴۲).

این سیاست‌گذاری حداقلی در ایران نیز مورد توجه قانون‌گذار بوده و قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری کشور، مدت حمایت از اختراعات را بیست سال در نظر گرفته است؛ مدتی که باید در مذاکرات الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی نیز مورد توجه گروه مذاکره‌ای ما باشد؛ یعنی به رغم آنکه موافقت‌نامه تریپس امکان تعیین مدت حمایت بیشتری را فراهم ساخته است، گروه مذاکره‌ای ما همچنان سیاست حداقلی یعنی اکتفا به مدت بیست سال را در نظر داشته باشند. اتخاذ این سیاست باعث می‌شود حقوق ایران، هم حداقل الزام استاندارد جهانی را رعایت کرده باشد و هم از پذیرش مدت حمایت بیشتر که مغایر نیازهای توسعه‌ای داخلی است، خودداری کند.

۲. سیاست‌گذاری بایسته در قبال استفاده از مهلت‌های موافقت‌نامه تریپس

تهیه‌کنندگان موافقت‌نامه تریپس برای راضی کردن کشورهای درحال توسعه، بر این تأکید کرده و می‌کنند که نگاه تریپس، صرفاً تجاری نیست؛ بلکه نگاه توسعه‌ای و حقوق بشری نیز در آن دخیل بوده؛ از این‌رو اصلی به نام اصل رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای درحال توسعه و نیز

یک سلسله دوره انتقالی در آن لحاظ شده است. منظور از دوره انتقالی آن است که زمان پابندی اعضای سازمان تجارت جهانی به تعهدات تریپس، متفاوت باشد؛ بدین ترتیب که ۱. کشورهای توسعه‌یافته از اول ژانویه ۱۹۹۶ ملزم به حمایت از اموال فکری شدند. ۲. کشورهای درحال توسعه که هنگام اجرای موافقت‌نامه و پس از مهلت مقررکل حوزه‌های فناوری را مشمول حق اختراع نموده‌اند، از اول ژانویه ۲۰۰۰ باید این تعهد را اجرا می‌کردند. ۳. کشورهای در حال گذار از اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده به اقتصاد آزاد، از اول ژانویه ۲۰۰۰؛ ۴. کشورهای در حال توسعه‌ای که هنگام اجرای موافقت‌نامه پس از مهلت مقررکل حوزه‌های فناوری را مشمول حق اختراع نموده‌اند، در زمینه اختراع دارو، تا اول ژانویه سال ۲۰۰۵ مهلت پیدا کردند. ۵. کشورهای با حداقل توسعه‌یافتگی، تا اول ژانویه ۲۰۰۶ مهلت داشتند،^۱ اما به موجب تصمیم شورای تریپس در سال ۲۰۰۲، این مهلت تا سال ۲۰۱۶ تمدید شد (همان: ۹۹).

کشور هند نیز برای آنکه از مزایای عضویت در تریپس استفاده کند، ضمن عضویت در آن، از مهلت مجاز مقرر در این سند، نهایت استفاده را برد و دقیقاً در آخرین سال مهلت، یعنی سال ۲۰۰۵ قانون ثبت اختراع خود را اصلاح کرد و مدت حمایت از اختراعات را با استاندارد تریپس منطبق ساخت. هند تا قبل از آن، با تقلید از فناوری سایر کشورها کوشید در زمینه ابداعاتی چون نرم‌افزارها، به پیشرفت‌هایی دست یابد. سیاست‌گذاران این کشور برای عمل خود چنین استدلال کردند که سیاست کشورهای توسعه‌یافته‌ای چون سوئیس و ژاپن نیز قبل از خودکفایی و توسعه در فناوری، بر عدم حمایت از ابداعات بوده و به محض دست یافتن به سطح تولید دانش، خود بر حمایت از اموال فکری تأکید کرده‌اند (Goutal, 2004: 2 and seq). لذا بحث حمایت یا عدم حمایت از دارایی‌های فکری بیش از آنکه مبتنی بر مباحث حقوقی باشد، به سیاست اقتصادی و توسعه کشورها بازمی‌گردد.

سیاست مذکور متأسفانه در زمان مقتضی مورد توجه سیاست‌گذاران ایران قرار نگرفت؛ چراکه کشور ما تاکنون به عضویت سازمان تجارت جهانی درنیامده و حتی اگر امروز عضو آن شود،

۱. مواد ۶۵ و ۶۶ موافقت‌نامه تریپس.

دیگر امکان استفاده از دوره انتقالی یا مهلت‌های تریپس به انتها رسیده و مهلت مقرر تا ۲۰۱۶، مختص کشورهای با حداقل توسعه‌یافتگی نظیر چاد است که ایران جزء این دسته کشورها به شمار نمی‌آید. با توجه به اینکه ایران تاکنون به عضویت سازمان تجارت جهانی درنیامده و استفاده از مهلت انتقالی مذکور، مربوط به کشوری است که تا قبل از سال ۲۰۰۵ به عضویت این سازمان درآمده باشد. لذا در حال حاضر باید به این اصل تن در داد که با الحاق به موافقت‌نامه تریپس سازمان تجارت جهانی، نمی‌توان بر روی مهلت‌های انتقالی این موافقت‌نامه حسابی باز کرد. از این رو باید از هم‌اکنون، با در نظر گرفتن پیامدهای مثبت یا منفی الحاق، قوانین حقوق مالکیت فکری را با اصول تریپس منطبق و صنایع داخلی را آماده رقابت با فناوری خارجی کرد.

۳. سیاست‌گذاری بایسته در قبال به کارگیری ابهامات موافقت‌نامه تریپس در راه

تأمین نیازهای توسعه‌ای

یکی از اصول مهمی که بسیاری از نویسندگان و صاحب‌نظران کشورهای در حال توسعه به سیاست‌گذاران این کشورها توصیه می‌کنند، استفاده از ابهامات موافقت‌نامه تریپس برای تأمین نیازهای توسعه‌ای است. توضیح اینکه موافقت‌نامه تریپس ضمن آنکه در بسیاری از مواد، دقیق و کاملاً در راستای کشورهای توسعه‌یافته و تولیدکننده اموال فکری تهیه شده است، حاوی مواد یا عبارات مبهمی نیز هست که این امکان را به قانون‌گذار کشورهای در حال توسعه می‌دهد که با ارائه تفاسیر مختلف از این مواد مبهم، نیازهای توسعه‌ای خود را مرتفع سازند. این امر گواه این مدعاست که روشن بودن قوانین و مقررات همه‌جا مناسب نیست. برای مثال، موافقت‌نامه تریپس در ماده ۸ مقرر می‌دارد: «۱. اعضا در تنظیم یا اصلاح قوانین و مقررات ملی خود می‌توانند اقدامات لازم را برای حفظ بهداشت و تغذیه و همچنین گسترش منافع عمومی در بخش‌های حائز اهمیت حیاتی برای توسعه اجتماعی - اقتصادی و تکنولوژیک اتخاذ کنند، مشروط بر اینکه اقدامات مزبور با مقررات موافقت‌نامه حاضر انطباق داشته باشد. ۲. به منظور جلوگیری از سوءاستفاده دارندگان حق مالکیت فکری از این حق و نیز پرهیز از توسل به روش‌هایی که به گونه‌ای غیرمعقول تجارت را محدود می‌سازند یا بر انتقال بین‌المللی فناوری اثر منفی دارند، ممکن است اتخاذ اقدامات مقتضی به شرط مطابقت با مقررات موافقت‌نامه حاضر، ضرورت یابد».

چنان‌که ملاحظه می‌شود، در ماده مذکور، واژگانی چون «منافع عمومی» یا «اقدامات لازم برای حفظ بهداشت و تغذیه» آمده که عباراتی مبهم و تفسیر بردارند؛ به طوری که هر کشوری می‌تواند متناسب با نیازهای توسعه‌ای و منافع خود، برداشت خاصی از آن داشته و در عین حال از سیاست خود دفاع کند. مثلاً در یکی از کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی، به دلیل شیوع آلودگی زیاد و وجود خطر جانی برای بیماران ریوی، اجازه تولید و تکثیر اختراعی داده می‌شود که باعث کاهش آلودگی زیست محیطی می‌گردد؛ در حالی که مخترع اجازه این استفاده را نداده است. در صورت اعتراض مخترع به این امر، دولت می‌تواند از عبارات مبهم فوق بهره برده و بگوید اقدام وی اولاً؛ در راستای تأمین منافع عمومی بوده؛ ثانیاً؛ اقدام او طبق مجوز ماده ۸ موافقت‌نامه تریپس، جزء اقدامات لازم برای حفظ بهداشت مردم بوده است.

این سیاست استفاده از ابهامات موافقت‌نامه تریپس، مورد توجه هند قرار گرفت؛ به گونه‌ای که قانون‌گذار این کشور کوشیده است که در جای‌جای قوانین داخلی مرتبط با مالکیت فکری خویش، همین عبارات مبهم را درج کند و برای بهره‌گیری از ابهام تریپس در قوانین ثبت اختراع و مالکیت ادبی و هنری خود، این اجازه را به ادارات و نهادهای ثبت و حمایت مالکیت فکری داده که در مواردی که حمایت از اموال فکری، با منافع عمومی و توسعه بخش‌های مهم اجتماعی - اقتصادی و تکنولوژیک در تعارض است، از ثبت و حمایت انحصاری از صاحبان آنها خودداری ورزد. اما اینکه مفهوم منافع عمومی و توسعه بخش‌های مهم اجتماعی - اقتصادی و تکنولوژیک چیست، و مرز میان بهره‌م‌خوردن یا نخوردن منافع عمومی کدام است، امری مبهم است و این عبارات کلی و پرابهام، دست سیاست‌گذاران هندی را در تفسیر مواد و حمایت یا عدم حمایت از مصادیق مالکیت فکری باز می‌گذارد. ضمن آنکه این اختیار با موافقت‌نامه تریپس منطبق می‌باشد.

ابهام دیگر موافقت‌نامه تریپس، در بیان شرایط ثبت و حمایت از اختراعات است. همان‌گونه که گفتیم، طبق بند ۱ ماده ۲۷ این موافقت‌نامه، اختراعی قابل ثبت و حمایت است که جدید، دارای گام ابتکاری و کاربرد صنعتی باشد. موافقت‌نامه خود به تعریف این سه شرط نپرداخته و معیار مشخصی برای احراز آنها بیان نکرده و آنها را در اختیار قانونگذار ملی کشورها گذارده است

(WIPO, 1997: 31). هند، این امر را یک فرصت دانست؛ زیرا معتقد بود این ابهام، امکان انعطاف‌پذیری لازم متناسب با شرایط اقتصادی و اجتماعی و توسعه‌ای را برای هند به وجود آورده و دست‌اندرکاران و کارشناسان اداره ثبت اختراع این کشور، می‌توانند با استفاده از این انعطاف، برخی مصادیق مورد تردید را جزء فن یا صنعت قبلی دانسته و آنها را از شمار اختراعات قابل ثبت و حمایت خارج سازند. همچنین در احراز شرط جدید بودن اختراع، معیار سختگیرانه‌ای را در نظر گرفت و در بند I ماده ۲ قانون ثبت اختراع، ملاک جهانی را پیش‌بینی کرد. بر این اساس در این کشور، یک اختراع زمانی قابل ثبت و حمایت انحصاری است که نه فقط در هند، بلکه در هیچ نقطه‌ای از جهان افشا نشده باشد. این سیاست به مقامات هندی اجازه می‌دهد بسیاری از تقاضاهای ثبت اختراع از مخترعان سایر کشورها را به این دلیل که در سطح جهانی جدید نیستند، رد کرده و از آنها حمایت انحصاری نکنند.

در ایران، خوشبختانه در مواردی این سیاست‌گذاری مورد توجه بوده؛ به طوری که مثلاً اختراعات مغایر نظم عمومی قابل ثبت دانسته نشده یا در بحث جدید بودن، عدم افشا در هیچ نقطه‌ای از جهان ملاک قرار گرفته است. با این حال با توجه به اینکه اصلاح برخی قوانین مالکیت فکری ایران، مانند قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، در دستور کار قرار گرفته است، قانون‌گذار در تصویب اصلاحیه قانون باید این سیاست بایسته را مورد توجه قرار دهد.

۴. سیاست‌گذاری بایسته در قبال استثنائات موافقت‌نامه تریپس

فلسفه حمایت قانونی از اموال فکری آن است که پدیدآورندگان این اموال، با انگیزه بیشتری به نوآوری بپردازند و با ابداع آثار ادبی و هنری و صنعتی نوین، جامعه را از مزایای پیشرفت دانش برخوردار سازند.^۱ این فلسفه به‌خوبی نشان می‌دهد که در تنظیم ساختار حقوق مالکیت فکری، باید علاوه بر منافع فردی مخترعان و مبتکران و پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری، به منافع

۱. قسمت ب از بند اول ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد نیز بهره‌مندی هر انسان از منافع پیشرفت علمی و کاربردهای آن را یکی از حقوق بنیادین بشری می‌داند.

جامعه نیز توجهی جدی داشت. یکی از ابزارهای تحقق این هدف، پیش‌بینی استثنائات وارد بر حقوق انحصاری صاحبان اموال فکری است؛ بدین معنا که اعضای جامعه حق داشته باشند در برخی مواد خاص، بدون نیاز به کسب اجازه از وی و بدون ورود لطمه جدی به منافع صاحب حق، از مال فکری منتفع شوند. این موضوع، مورد توجه موافقت‌نامه تریپس نیز بوده است. برای مثال، مطابق ماده ۱۳ این سند در مورد آثار ادبی و هنری: «اعضا محدودیت‌ها یا استثناهایی را در مورد حقوق انحصاری، فقط نسبت به برخی موارد خاص که با بهره‌برداری عادی^۱ از اثر تعارض نداشته باشد و لطمه غیرموجهی به منافع مشروع دارنده حق وارد نیاورد، برقرار خواهند کرد». در ماده ۳۰ نیز در مورد اختراعات چنین آمده است: «اعضا می‌توانند استثنائات محدودی را در مورد حقوق انحصاری ناشی از ثبت اختراع قائل شوند، مشروط بر اینکه مغایرتی نامتعارف^۲ با استفاده معمولی از اختراع ثبت شده نداشته باشد و به منافع مشروع مالک اختراع ثبت شده با توجه به منافع مشروع اشخاص ثالث، لطمه‌ای نامتعارف^۳ وارد نیاورد». قانون‌گذاران کشورهای درحال توسعه باید از این امکان استفاده کرده و استثنائاتی را در قوانین داخلی خود پیش‌بینی کنند؛ زیرا صرف استثنا شدن امری در موافقت‌نامه تریپس، به منزله قابلیت اعمال خودبه‌خود آن در قوانین داخلی اعضا نیست و قانون‌گذاران ملی باید آن را در قوانین داخلی خود درج کنند.

قانونگذار هندی با علم به این موضوع که عدم درج استثنائات در قوانین مالکیت فکری خود، به منزله از دست رفتن فرصت برای استفاده از نقاط انعطافی تریپس می‌باشد، استثنائات بسیار خوبی را بر حقوق انحصاری صاحبان اموال فکری وارد کرده است زیرا نیک می‌داند که برخلاف کشورهای تولیدکننده اموال فکری که تمایل به کمتر کردن تعداد استثنائات وارد بر حقوق انحصاری ناشی از اموال فکری دارند، تأمین نیازهای توسعه‌ای هند به عنوان یک کشور درحال توسعه و واردکننده اموال فکری، در گسترده‌تر بودن استثنائات است. از مهم‌ترین این استثنائات عبارت است از: استفاده شخصی، استفاده علمی و آموزشی، مجوز اجباری،^۴ نقل قول‌ها

-
1. Normal Exploitation.
 2. Unreasonably Conflict.
 3. Unreasonably Prejudice.
 4. Compulsory License.

و سخنرانی‌ها. همچنین قانون‌گذار این کشور برای آنکه راه تفسیر را برای ورود استثنائات دیگر باز بگذارد، عبارت کلی مشابه موافقت‌نامه تریپس را در قوانین داخلی ذکر کرده است که مطابق آن، استفاده‌ای که لطمه غیرمعارف به صاحب حق مالکیت فکری وارد نکرده و با بهره‌برداری عادی از اثر منطبق باشد، مجاز است؛ لذا هر استفاده‌ای که این ویژگی‌ها را داشته باشد، حتی اگر نام آن صراحتاً در قانون نیامده باشد، قابل استناد خواهد بود.

اما در ایران، وضع فعلی قوانین مالکیت فکری چندان با این سیاست بایسته همخوانی ندارد، چراکه

اولاً: برخی استثنائات موافقت‌نامه تریپس در قوانین داخلی کشور درج نشده؛ مثلاً مجوز اجباری در قوانین حقوق مالکیت ادبی و هنری ایران، مانند قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ نیامده و با توجه به استثنائی بودن این نهاد، نمی‌توان سکوت قانون مؤلفان را با ماده ۱۷ قانون ثبت اختراعات (که در آن به امکان صدور مجوز اجباری در اختراعات تصریح شده است) مرتفع ساخت و از نهاد قیاس بهره برد؛ زیرا استثنا را نمی‌توان به کمک قیاس به سایر موارد تعمیم داد؛ مگر آنکه قانون‌گذار بدان تصریح کند. لذا با توجه به اینکه اصلاح مقررات راجع به حقوق مالکیت ادبی و هنری ایران نیز چند سالی است مطمح نظر قرار گرفته است، باید نهاد مجوز اجباری در حوزه حقوق مولف نیز پیش‌بینی گردد.

ثانیاً: عبارت کلی مقرر در مواد ۱۳ و ۳۰ تریپس در قوانین حقوق مالکیت ادبی و هنری و قوانین اختراع ایران نیامده و امکان این تفسیر را از قانون‌گذار و مقامات قضایی می‌گیرد که بتوانند با کمک معیار کلی مقرر در این دو ماده، مصادیقی را در مواقع تردید جزء استثنائات وارد

مجوزهای اجباری گواهی‌هایی که بدون کسب اجازه از صاحب حقوق فکری، از سوی مقام دولتی اعم از اداری یا قضایی برای شخص ثالث - خواه نهاد دولتی یا شرکت خصوصی - صادر می‌گردد و بر اساس آن، امکان قانونی بهره‌برداری از مال فکری فراهم می‌شود. صدور این مجوزها نیازی به کسب اجازه از صاحب حق ندارد. در برابر مجوزهای اختیاری قرار می‌گیرند که با رضایت صاحب حق صادر می‌گردند (Correa, 2007:93).

بر حقوق انحصاری صاحبان اموال فکری بشمرند تا از این طریق گام دیگری برای تأمین منافع عمومی برداشته شود.

۵. سیاست‌گذاری بایسته در قبال تحولات اخیر حقوق مالکیت فکری

حقوق مالکیت فکری با مباحث اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در ارتباط تنگاتنگ است؛ لذا هر روزه شاهد تغییر و تحول است؛ از این رو تحولات این حوزه به تأسیس سازمان تجارت جهانی و تنظیم موافقت‌نامه تریپس این سازمان محدود نشده و از سال ۱۹۹۵ تاکنون نیز شاهد تحولات عمده‌ای در آن بوده‌ایم. وجه مشترک این تحولات، تلاش کشورهای توسعه‌یافته برای افزایش مصادیق اموال قابل حمایت و انحصارات ناشی از مالکیت فکری است و در این شرایط، کوشش کشورهای در حال توسعه برای مقابله با این روند خطرناک و نیز حفظ منافع توسعه‌ای خود اهمیتی بیش از گذشته یافته است. در این گفتار و در قالب ۵ بند، به مهم‌ترین تحولات مالکیت فکری در چند سال اخیر و سیاست‌گذاری بایسته در قبال این تحولات اشاره خواهیم کرد:

۵.۱. سیاست‌گذاری بایسته در قبال حمایت از پخش‌های اینترنتی (وب کستینگ)^۱

یکی از مصادیق حقوق مالکیت فکری، حقوق مرتبط یا مجاور^۲ است. این حقوق، ناظر به حمایت از مجریان، تولیدکنندگان فونوگرام (صفحات صوتی)^۳ و سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی است (Colombet, 1997) و مهم‌ترین قواعد حمایت از این حقوق در سطح بین‌المللی، در کنوانسیون به نام کنوانسیون رم^۴ (به تاریخ ۱۹۶۱) پیش‌بینی شده است.^۵ از آنجا که در زمان تصویب کنوانسیون، مقوله اینترنت و حمایت از حقوق مرتبط در محیط اینترنتی،

1. Webcasting.

2. Related Rights or Neighboring Rights.

۳. در ادبیات حقوقی رایج مالکیت فکری و برخی مقررات ایران معادل اصطلاح phonogram، «اثر صوتی» انتخاب شده است. با این حال باید گفت که این ترجمه، معادل دقیق اصطلاح مذکور نبوده و ترجمه مناسبی نیست. نویسنده مقاله حاضر، ضمن دقیق ندانستن اصطلاح اثر صوتی، از همان اصطلاح فونوگرام یا صفحه صوتی بهره برده است.

4. Rome Convention.

۵. برای مشاهده ترجمه مواد این کنوانسیون، ر.ک: کنوانسیون رم، ۱۳۸۶.

مطرح نشده بود، مفاد کنوانسیون رم ناظر به محیط فیزیکی است. بر این اساس در سال ۱۹۹۶، سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو)^۱، معاهده‌ای تحت عنوان معاهده اجراها و فونوگرام وایپو^۲ را تنظیم نمود و در آن به حمایت از حقوق مجریان و تولیدکنندگان فونوگرام در محیط مجازی پرداخت.

این معاهده، از حقوق سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی در محیط اینترنتی سخن نگفته است. دلیل این سکوت نیز اختلاف میان کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه در خصوص اصل حمایت از این موضوع بود؛ چراکه کشورهای درحال توسعه به رهبری کشورهایی چون هند و برزیل، حمایت از پخش‌های اینترنتی را متناسب با سیاست توسعه‌ای خود نمی‌دانستند؛ زیرا بسیاری از پخش‌های سایر کشورها را از اینترنت دریافت می‌کردند و پرداخت حق امتیاز این پخش‌ها به سازمان‌ها و بنگاه‌های پخش‌کننده، برای آنها هزینه هنگفتی به همراه داشت. با این حال، کشورهای توسعه‌یافته عضو وایپو تلاش خود را ادامه داده و ظرف چند سال اخیر، پیش‌نویسی تحت عنوان پیش‌نویس وایپو برای حمایت از سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی و نیز ضمیمه آن در خصوص حمایت از پخش صوتی - تصویری از طریق اینترنت (وب کستینگ) تهیه کرده‌اند (Draft Basic Proposal for the WIPO Treaty on the Protection of the Broadcasting Organizations and Appendix on the (Protection in the Relation to Webcasting, 2006).

در این میان، گروه مذاکره‌ای هند در وایپو، در مقابل این پیش‌نویس مقاومت کرد و سایر کشورهای درحال توسعه را به این امر ترغیب نمود. این سیاست درست باعث گردید تا بررسی این پیش‌نویس فعلاً از دستور کار جلسات این سازمان خارج شود. همین سیاست در شرایط فعلی که ایران مزیت نسبی یا رقابتی در این حوزه ندارد، باید مورد نظر نمایندگان ایران در سازمان جهانی مالکیت فکری نیز باشد.

1. World Intellectual Property Organization (WIPO).

2. WIPO Performances and Phonogram Treaty (WPPT).

۵.۲. سیاست‌گذاری بایسته در قبال تلاش کشورهای توسعه یافته برای تنظیم قواعد ماهوی حق اختراع

چنان‌که پیش از این اشاره کردیم، موافقت‌نامه تریپس به دلیل اختلاف میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، تعریفی از ویژگی‌های سه گانه اختراعات قابل ثبت و حمایت یعنی جدید بودن، داشتن گام ابتکاری و برخورداری از کاربرد صنعتی ارائه نداده و حیطه آن را به قانون ملی کشورهای عضو وانهاده است. از آنجا که برخی کشورهای در حال توسعه چون هند و برزیل و آرژانتین، از این ابهام تریپس استفاده کرده و گاه برخی ابداعات کشورهای توسعه یافته را واجد اوصاف اختراع قابل حمایت نمی‌دانند، سیاست‌گذاران حقوق مالکیت فکری کشورهای پیشرفته به سرکردگی آمریکا و ژاپن، درصدد برآمدند تا در قالب موافقت‌نامه ای تحت عنوان موافقت‌نامه مادرید، قواعد ماهوی اختراع را هماهنگ و یکنواخت سازند. نتیجه این موافقت‌نامه نیز آن خواهد بود که اوصاف اساسی اختراعات قابل ثبت تعریف شده و دایره آن دقیقاً مشخص می‌شود و قوانین ملی همه کشورهای عضو واپس بطور یکنواخت، تعاریف واحدی از این اوصاف در نظر خواهند داشت. این موضوع در سال ۲۰۰۰ در دستور کار واپس قرار گرفت و کمیته دائمی قانون اختراعات این سازمان^۱ در جلسات متعدد خود، پیش‌نویس معاهده ۱۶ ماده‌ای را مورد بحث و بررسی نمایندگان اعضا قرار داد. در جریان مذاکرات، نمایندگان کشورهای ژاپن و آمریکا به همراه اداره اختراعات اروپا بر این عقیده اصرار داشتند که باید سکوت موافقت‌نامه تریپس در مورد تعریف شروط اساسی تشخیص یک اختراع را باید برطرف کرد؛ لذا این موضوع حساس باید بدو مورد مذاکره و اتخاذ تصمیم قرار گیرد و معاهده‌ای در این زمینه تهیه گردد و در رابطه با دیگر مقررات ماهوی اختراع که مورد نظر کشورهای در حال توسعه است، در مراحل بعدی رسیدگی و اتخاذ تصمیم شود. اما در اینجا نیز کشور هند بر مبنای سیاست توسعه‌ای وارد عمل شده و این پیشنهاد را شدیداً مورد انتقاد قرار داد. سیاست حقوق مالکیت فکری هند نسبت به این موضوع آن بود که شرایط ماهوی اختراع باید در کنار موضوع محدودیت‌ها و استثنائات بر حقوق انحصاری مخترع، مورد بحث و بررسی کمیته دائمی قرار گیرد و تفکیک موضوعات به نحوی که

1. Substantive Committee of Patent (SCP).

از طرف کشورهای پیشرفته پیشنهاد شده است، به نفع کشورهای درحال توسعه نیست؛ زیرا تصویب طرح مورد نظر کشورهای توسعه یافته، قابلیت انعطاف و استثنای پذیری قوانین ملی کشورها را در رابطه با موضوعات ماهوی اختراعات، کمرنگ، و قدرت مانور قوانین ملی کشورها را در خصوص این موضع محدودتر می سازد (See: Correa and Musungu, 2015: 1 & seq). این سیاست گذاری از سوی کشورهای درحال توسعه دیگر، خصوصاً ایران و برزیل مورد حمایت قرار گرفت و خوشبختانه در مجمع عمومی وایپو که در اکتبر ۲۰۰۷ برگزار شد، کشورهای صنعتی در برابر خواسته کشورهای درحال توسعه عقب نشینی کردند و قرار بر این شد تا قواعد ماهوی اختراع همراه با محدودیت ها و استثنائات آن، بررسی شود. این سیاست گذاری درست باید در ادامه نیز مورد توجه باشد.

۵.۳. سیاست گذاری بایسته در قبال حمایت از دانش سنتی^۱ و مظاهر فرهنگ عامه (فولکلور)^۲

دانش سنتی و مظاهر فرهنگ عامه یا فولکلور، ماحصل قرن ها تلاش و تجربه اندوزی محلی ها و بومی ها محسوب می شود که در مناطق خاص جغرافیایی و در بستر زمان شکل گرفته است. از این رو اگر آنها را به عنوان سرمایه های واقعی کشور دارنده این منابع (به ویژه کشورهای دارای جوامع روستایی و بومی و محلی نظیر ایران) به شمار آوریم، به خطا نرفته ایم. امروزه دیگر این منابع، صرفاً ارزش فرهنگی و جامعه شناختی ندارند؛ بلکه به دلیل ارزش بالقوه و بالفعل اقتصادی، از قابلیت مبادله برخوردار شده و در تجارت بین الملل جایگاهی ویژه یافته اند. برای نمونه، امروزه بسیاری از کشورهای پیشرفته می کوشند تا از دانش سنتی کشورهای غنی، مانند هند و ایران در درمان برخی بیماری ها و نحوه استفاده از گیاهان دارویی و ... بهره مند شوند. این جایگاه مدتی است که کشورهای درحال توسعه و دارای این منابع را به تأمل واداشته است تا مکانیزم مناسبی برای حمایت از این اندوخته های غنی در نظر بگیرند (Commission on Intellectual Property Rights, 2002) خصوصاً اینکه کشورهای توسعه یافته با این

1. Traditional Knowledge.

2. Folklore.

استدلال که این قبیل دانش‌ها و فرهنگ‌های قدیمی، از وصف تازه بودن برخوردار نبوده و نمی‌توان از آنها به عنوان مصداق مالکیت فکری حمایت کرد و این منابع جزء میراث مشترک بشری محسوب می‌شوند، معتقدند همه کشورهای در استفاده از آنها سهیم بوده و نیازی به کسب اجازه یا پرداخت به کشورهای درحال توسعه دارای این منابع نیست (WIPO, 2001, 518).

در مقابل این دیدگاه ناعادلانه، دسته‌ای از کشورهای درحال توسعه نظیر ایران و هند مدتی است کمیته‌ای به نام کمیته منابع ژنتیکی، دانش سنتی و فرهنگ عامه (فولکلور)، در وایبو فعال ساخته و درصددند با طراحی نظام مناسب حمایتی، کشورهای دیگر را به حمایت مؤثر از این منابع وادار سازند. اهمیت این سیاست زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم دانش سنتی و فولکلور به عنوان دو منبع بی‌بدیل، الهام‌بخش بسیاری از خلاقیت‌ها و نوآوری‌های کشورهای توسعه‌یافته بوده‌اند. با این حال، کشورهای پیشرفته، نه تنها به منشأ نوآوری اثر خود اشاره نمی‌کنند، بلکه سهمی از منافع اقتصادی حاصل از تجاری‌سازی اثر خود را نیز به کشور صاحب منبع پرداخت نمی‌کنند. این سیاست بی‌رحمانه باعث گردیده است بسیاری از ساکنان محلی و بومی کشورهای دارای دانش سنتی و فولکلور، همچنان در فقر به سر ببرند.

در مقابل، نهادهای فعال برخی کشورهای درحال توسعه، سعی در آگاه‌سازی سایر کشورها داشته و موضع‌گیری‌های تندی در قبال سیاست جاری کشورهای توسعه‌یافته اتخاذ کرده‌اند. برای نمونه می‌توان به بنیاد تحقیقاتی علوم، فناوری و محیط زیست^۱ کشور هند اشاره کرد که سازمان تجارت جهانی را متهم ساخت که با وضع مقررات و ساختار حمایتی خاص به نفع شرکت‌های بزرگ چندملیتی و بی‌توجهی به منابع فرهنگی و سنتی و ژنتیکی کشورهای درحال توسعه، راهکار سرقت قانونی از منابع ژنتیکی و مانند آن را به کشورهای توسعه‌یافته نشان داده و به آنها آموخته است که می‌توانند ملاحظات اقتصادی خود را بر نیازهای توسعه‌ای کشورهای درحال توسعه و حق حاکمیت مسلم ایشان بر سرمایه‌های سنتی و فرهنگی خویش ارجحیت بخشند (سید محمدعلی موسوی، ۱۳۸۵: ۲۵).

1. Research Institute for Sciences, Technology and Ecology.

در هر حال، با عنایت به اینکه تلاش‌های کمیته مزبور تاکنون با مقاومت شدید کشورهای توسعه‌یافته روبرو شده و در نتیجه هنوز سند بین‌المللی الزام‌آوری تهیه نشده است، سیاست‌گذاران حقوق مالکیت فکری در هند بر آن شدند که با طراحی نظامی خاص، دست‌کم از دانش سنتی و فرهنگ عامه خود حمایت کنند. این کشور در حال حاضر، نظام قراردادی را در پیش گرفته است که طبق آن، در صورتی که کشوری بخواهد از دانش سنتی یا یکی از مظاهر فرهنگ عامه هند استفاده کند، اثری پدید آورد و آن را به ثبت برساند، باید در اظهارنامه ثبت اختراعش، موافقت‌نامه کتبی مقامات هندی مبنی بر ثبت درج شده باشد و منشأ نوآوری خود، یعنی دانش سنتی یا فرهنگ عامه هند را تصریح نماید. همچنین در این موافقت‌نامه، سهمی از منافع مادی حاصل از عرضه محصول فکری به بازار، به هند تعلق گیرد (حبیب و معتمدی، ۱۳۸۵: ۱۲۴ به بعد).

در ایران با وجود تلاش نمایندگان ما در سازمان جهانی مالکیت فکری برای فعال‌سازی کمیته دانش سنتی وایپو، تلاش‌های داخلی برای حمایت عملی از دانش سنتی به حد کفایت نبوده است. برای مثال هنوز هیچ مکانیزم قانونی مشخصی برای حمایت از این دست دانش‌ها طراحی نشده و این سیاست‌گذاری بایسته، مورد عنایت قانون‌گذار ما نبوده است.

۵.۴. سیاست‌گذاری بایسته در قبال رابطه حقوق مالکیت فکری با تغییرات آب و هوایی^۱

منظور از تغییر آب و هوایی، تغییر طبیعی در آب و هوا به واسطه چرخه طبیعی فصول نیست؛ بلکه همان‌گونه که بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۹۲ ريو بیان داشته، مراد، آن‌گونه تغییر در آب و هواست که به طور مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از فعالیت‌های انسان، به خصوص فعالیت‌های صنعتی است که باعث برهم خوردن ترکیبات و تعادل در توالی و میزان تغییر دما شده است. تحقیقات نشان می‌دهد مهم‌ترین عامل تغییرات آب و هوایی، فعالیت‌های انسان است که ۹۰ تا ۹۹ درصد آن مربوط به آزادسازی گازهای گلخانه‌ای است و مقدار این گازها از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۴، به میزان ۷۰ درصد افزایش پیدا کرده است (Dernbach and Seema Kakade, 2008: 4-5). بر اثر هشدارهای مکرر نهادهای علمی، سازمان هواشناسی جهانی با کمک برنامه

1. Climate Changes.

محیط زیست ملل متحد، مرجعی بین‌المللی را در سال ۱۹۸۸ تأسیس کرد تا تحقیقات علمی ضروری را برای تقلیل انتشار گازهای گلخانه‌ای و جلوگیری از گرم شدن بیشتر کره زمین فراهم آورد. به رغم این تلاش‌ها و نیز تصویب کنوانسیون تغییر آب و هوا در سال ۱۹۹۴ و لازم‌الاجرا شدن پروتکل کیوتو در سال ۱۹۹۷ (برای مطالعه مفاد این پروتکل، ر.ک: عبداللهی: ۱۳۸۹: ۲۰۶ - ۲۱۱)، افزایش دمای زمین ادامه داشته و تغییر محسوسی در آن ایجاد نشده است. بر این اساس، سازمان ملل متحد در کنفرانسی در مورد تغییرات آب و هوایی که از ۷ تا ۱۹ دسامبر ۲۰۰۹ در کپنهاک دانمارک برگزار شد، تلاش نمود اجماعی جهانی جهت مقابله با افزایش دمای کره زمین و سوءتغییرات آب و هوایی که بر نابودی برخی منابع کشاورزی و تحدید حق دسترسی به منابع غذایی مؤثرند، ایجاد کند (برای مطالعه بیشتر در مورد نتایج اجلاس کپنهاک، ر.ک: زمانی، ۱۳۸۹: ۴۳۹ - ۴۴۸).

در این میان، نظام حقوق مالکیت فکری و به‌خصوص نظام حق اختراع نیز دارای اثر مثبت و منفی بر تغییر آب و هوا داشته؛ یعنی از جهاتی در کاهش و از جهات دیگر در افزایش آلودگی‌ها، گرم‌تر شدن زمین و دیگر مصادیق تغییر آب و هوایی دخیل بوده؛ لذا این موضوع به بحثی جهانی تبدیل شده است؛ به‌ویژه آنکه اطلاق برخی مواد موافقت‌نامه ترپس به‌خوبی نشان می‌دهد که حتی فناوری‌های مضر برای محیط زیست نیز می‌توانند تحت نظام مالکیت فکری حمایت شوند. برای مثال، بند ۱ ماده ۲۷ این موافقت‌نامه هرگونه فناوری را صرف‌نظر از حوزه و زمینه آن در قالب نظام اختراع، قابل ثبت و حمایت می‌داند. البته باید اذعان داشت که نظام حمایتی مالکیت فکری با اعطای انگیزه در مبتکران و مخترعان، آنها را به ابداع فناوری‌های سبز یا فناوری‌های مفید برای محیط زیست ترغیب می‌کند. با این حال، نظام حقوق مالکیت فکری، برای کشورهای درحال توسعه خطرهای زیست‌محیطی نیز به همراه داشته و خواهد داشت. از جمله اینکه بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته با استناد به حق انحصاری خود بر فناوری سبز (یا فناوری‌های منطبق با استانداردهای زیست‌محیطی)، از انتقال فناوری به کشورهای درحال توسعه خودداری کرده‌اند. همچنین نظام مالکیت فکری، باعث تسریع روند صنعتی شدن جوامع و گسترش گازهای گلخانه‌ای و دی اکسیدکربن حاصل از فعالیت‌های صنعتی بشر شده است.

در این وضعیت، کشور هند در قبال حمایت از اموال فکری و به خصوص اختراعاتی که بر محیط‌زیست اثر مخرب دارند و باعث تغییر آب و هوایی می‌شوند، سیاست‌های قابل تأملی را در پیش گرفته که اهم آن به شرح زیر است:

الف) اداره ثبت اختراعات هند، از اعطای حمایت به اختراعات مغایر محیط‌زیست خودداری می‌ورزد؛ چراکه معتقد است حمایت از حقوق مالکیت فکری نباید به منزله نادیده گرفتن منافع عمومی باشد و حمایت از محیط‌زیست سالم یکی از منافع بارز عمومی است. این رویکرد درست، نه تنها مغایر تریپس نیست، بلکه با عبارات کلی این موافقت‌نامه نیز سازگار می‌باشد؛ زیرا

اولاً؛ ماده ۷ تریپس مقرر می‌دارد: «حمایت از حقوق مالکیت فکری و اجرای این حقوق، باید به توسعه ابداعات تکنولوژیک و انتقال و گسترش فناوری و استفاده متقابل تولیدکنندگان و به‌کارگیرندگان دانش فنی کمک کند، و به گونه‌ای صورت گیرد که به رفاه اقتصادی و اجتماعی و توازن میان حقوق و تعهدات منجر شود». بر این اساس برخی نویسندگان بر این نکته تأکید کرده‌اند که هدف موافقت‌نامه تریپس، صرفاً حمایت از حقوق خصوصی دارندگان اموال فکری نبوده و استفاده از نقش این اموال در توسعه رفاه اقتصادی و اجتماعی همه کشورهای، از جمله کشورهای در حال توسعه نیز جزء اهداف این سند به شمار می‌آید (Derclaye, 2006: 264).

ثانیاً؛ به رغم بند ۱ ماده ۲۷ تریپس که اعضا را مکلف به حمایت از اختراعات در تمامی رشته‌های فناوری، بدون تبعیض کرده؛ اما بند ۲ این ماده، به کشورها اختیار داده است از ثبت و حمایت از اختراعات مغایر محیط‌زیست خودداری کنند. این بند، معیاری نیز برای تشخیص اینکه آیا اختراعی محیط‌زیست را با خطر روبرو می‌سازد یا نه، بیان نداشته است (Mandel, 2005: 51). کشور هند از این ایهام استفاده کرده تا بتواند با سیاست‌گذاری‌های خود، در راه ورود و حمایت اختراعات مضر به حال محیط‌زیست مانع ایجاد کند. در حقیقت، رهیافت هند در این خصوص، رهیافت هزینه - فایده^۱ است؛ بدین معنا که اداره ثبت اختراع این کشور زمانی که هزینه‌های زیست‌محیطی یک اختراع را بیش از منافع ثبت آن بداند، از ثبت و حمایت از آن خودداری می‌ورزد.

1. Cost & Benefit Approach.

بر این اساس، سیاست‌گذاران این کشور با تفسیر موسع از مفهوم نظم عمومی، دایره ثبت اختراعات مضر برای محیط‌زیست را محدود کرده‌اند.

ب) در مواردی که سلامت محیط‌زیست در معرض خطر قرار دارد و تکثیر و توزیع یک فناوری جدید منطبق با استانداردهای محیط‌زیست می‌تواند باعث کاهش آلاینده‌ها شود، در عین حال، صاحب فناوری از حق انحصاری خویش سوءاستفاده می‌کند یا شرایط مالی و اداری برای انعقاد قرارداد با صاحب حق جهت استفاده معمول وجود ندارد، دولت هند از مکانیزم مجوز اجباری استفاده می‌کند. بدین ترتیب که با اعطای مجوز به یک نهاد دولتی، زمینه تکثیر و توزیع فناوری‌های دوستدار محیط‌زیست^۱ را در کشور فراهم می‌سازد. صدور این مجوزها از آن‌رو دارای اهمیت ویژه است که بدانیم نوآوری‌های حوزه فناوری که منطبق با محیط‌زیست بوده و از تغییر آب و هوایی می‌کاهد، عمدتاً در انحصار سه کشور ایالات متحده آمریکا، ژاپن و آلمان قرار دارد (Maniere, 2008). کشور هند نیز برای برخورداری از مزایای این فناوری‌ها و کاهش آلودگی‌های محیط‌زیستی، از امکان صدور مجوز اجباری مقرر در ماده ۳۱ موافقت‌نامه تریپس^۲ استفاده بهینه را برده است.

در ایران قانون ثبت اختراعات، صراحتی در مورد غیرقابل ثبت بودن اختراعات مضر برای محیط‌زیست ندارد و از عباراتی کلی و مبهم چون غیرقابل ثبت بودن اختراعات مغایر نظم عمومی، می‌توان به آن پی برد. با این حال تصریح به این امر در اصلاحیه احتمالی قانون مزبور می‌تواند بسیار مفید بوده و از اختلاف نظر و تشتت آرا بکاهد. وانگهی، در ایران برخلاف هند، سیاست‌گذاری مدون و مشخصی در مواجهه با اختراعات مرتبط با محیط‌زیست وجود ندارد؛ معضلی که باعث شده است گاه شاهد ثبت اختراعات و گاه شاهد اتخاذ سیاست‌های مغایر محیط‌زیست در کشور باشیم.

1. Climate-Friendly.

۲. ماده ۳۱ موافقت‌نامه تریپس شرایطی را مقرر داشته است که کشورها می‌توانند در آن شرایط، بدون لزوم کسب اجازه از صاحب حق اختراع، مجوز اجباری را صادر کنند. از جمله این شرایط، سوءاستفاده مخترع از حق انحصاری خویش، وجود بحران عمومی و بهداشتی در جامعه است.

۵.۵. سیاست‌گذاری بایسته در قبال رابطه حقوق مالکیت فکری و امنیت غذایی طبق تعریف کمیته امنیت غذایی سازمان جهانی غذا و کشاورزی،^۱ «امنیت غذایی به این معناست که غذا در همهٔ زمان‌ها برای همه قابل دسترسی باشد. یعنی به لحاظ کمی و کیفی و تنوع، تغذیه کافی وجود داشته باشد؛ بنابراین فقط زمانی که این شرایط موجود است می‌توان گفت یک ملت امنیت غذایی دارد». (Committee on World Food Security, 1996, Para. H.)

چنان‌که از این تعریف برمی‌آید در امنیت غذایی، صرفاً دسترسی یا قابلیت دسترسی به منابع غذایی کافی نیست؛ بلکه پایدار بودن این دسترسی نیز شرط لازم است و هرچند میزان دسترسی به غذا در هر جامعه برحسب شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت بوده و رژیم غذایی موجود در هر کشور در این زمینه تأثیرگذار است،^۲ با این حال، دسترسی همهٔ افراد در هر زمان به منابع غذایی کافی، شرط تحقق امنیت غذایی محسوب می‌گردد. اسناد حقوق بشری نیز برای تصریح به جایگاه و اهمیت این حق بنیادین، حق برخورداری از امنیت غذایی را حق بشری دانسته‌اند (برای مطالعه جایگاه این حق در اسناد حقوق بشری، ر.ک: Habiba, 2002). همچنین در اعلامیه هزاره که در سال ۲۰۰۰ در نیویورک صادر گردید، بهره‌مندی از امنیت غذایی، در شمار مهم‌ترین معیارهای توسعه انسانی قلمداد شد.

در خصوص رابطه میان امنیت غذایی و حقوق مالکیت فکری، باز هم شاهد اختلاف نظر میان کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه هستیم. بدین ترتیب که از یک‌سو، استدلال کشورهای پیشرفته بر این مبتنی است که حقوق مالکیت فکری از طریق حمایت قانونی و مناسب، در سطح داخلی این انگیزه را در نوآوران و مبتکران ایجاد می‌کند که به ابداع فرآورده‌ها یا فرایندهای جدید، نظیر اصلاح بذرها و گونه‌های گیاهی یا مواد غذایی نو ترکیب بپردازند. این حمایت در سطح بین‌المللی نیز موجب اطمینان خاطر بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی و جلب

1. Committee on World Food Security of Food and Agriculture Organization.

۲. برای مثال، در فرهنگ کشور هند، امنیت غذایی زمانی محقق می‌گردد که دسترسی دائم و کافی به برنج و گندم وجود داشته باشد (Mitra: 2008: 145-151).

فناوری‌های نوین در این حوزه می‌شود. این دو اثر مهم، امکان دسترسی افراد بیشتری را در سراسر جهان به مواد غذایی فراهم می‌سازند. از سوی دیگر، کشورهای درحال توسعه بر این باورند که کشورهای توسعه‌یافته تمایل دارند انحصار بخش خصوصی خود را به تمام حوزه‌های عمومی، از جمله منابع ژنتیکی موجود در طبیعت تسری دهند.^۱

در این میان، نظام مالکیت فکری با اعطای انحصار در زمینه فناوری زیستی (بیوتکنولوژی) و فناوری تولید مواد غذایی جدید، اولاً: باعث افزایش قیمت بذرها و مواد اولیه شده‌اند و در نتیجه، دسترسی بسیاری از کشاورزان و تولیدکنندگان محدودتر شده است. ثانیاً: با افزایش قیمت مواد غذایی، امنیت غذایی مردمان فقیر کشورهای درحال توسعه به خطر افتاده است. نگرانی کشورهای درحال توسعه، دبیرکل وایپو را بر آن داشت تا در سال ۲۰۰۹، این موضوع را یکی از چالش‌های اصلی پیش روی سازمان جهانی مالکیت فکری اعلام کند؛ خصوصاً آنکه اختلاف نظر کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه باعث بروز دعای متعدد در وایپو شده بود که از آن جمله می‌توان به اختلاف کشور هند و آمریکا بر سر برنج باسماتی اشاره کرد (عزیزی مرادپور، ۱۳۸۹: ۲۷۸).

در چنین فضایی، سیاست‌گذاران حقوق مالکیت فکری در کشور هند، برای تعدیل آثار منفی نظام حمایت از اختراعات حوزه بیوتکنولوژی و کشاورزی، سه اقدام اساسی را در دستور کار خود قرار دادند: نخست اینکه در مجامع و نشست‌های وایپو، مکرراً به طرح دیدگاه‌های حقوق بشری و تقدم حقوق بشر بر حق مالکیت فکری در صورت تعارض پرداختند. دوم اینکه کشور هند با همکاری دسته‌ای از کشورهای درحال توسعه، زمینه تهیه و تصویب «معاهده بین‌المللی راجع به منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی»^۲ فراهم ساخت که در آن، ثبت اختراع محصولات غذایی که در آنها اصلاح ژنتیکی نشده، مثل محصولات و روش‌های سنتی کشاورزی منع شده است. بر این اساس کشاورزان و محققان نمی‌توانند مدعی حق اختراع یا سایر انواع حقوق

۱. یکی از صاحب‌نظران برای بهتر نشان دادن این وضعیت فاجعه‌بار، از این عبارت استفاده کرده است:

«خصوصی‌سازی منابع ژنتیکی موجود در محیط‌زیست را باید "تراژدی حوزه عمومی" خواند» Heller and

(Eisenberg :1998: 698).

2. International Treaty on Plant Genetic Resources for Food and Agriculture.

مالکیت فکری شوند که باعث محدودیت دسترسی به منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی یا اجزای ژنتیکی آنها می‌گردد.^۱ سرانجام اینکه از اختیار مندرج در بند ۳ ماده ۲۷ موافقت‌نامه تریپس سازمان تجارت جهانی استفاده کردند. این بند، کشورهای در حال توسعه عضو تریپس را به حمایت از گونه‌های گیاهی در قالب اختراع یا یک نظام خاص حمایتی^۲ مختار کرده است.^۳ قانون‌گذار هندی نیز از این اختیار استفاده کرده و با تصویب قانون تنوع گیاهی در سال ۲۰۰۱،^۴ یک نظام خاص حمایتی را طراحی کرد تا ضمن رعایت الزام تریپس مبنی بر حمایت از نوآوران این حوزه، سخت‌گیری‌های موجود در نظام اختراع و آثار منفی آن، از جمله تعداد دعاوی را کاهش دهد.

در ایران این اصول سیاست‌گذاری تا حدودی مورد توجه بوده‌اند. برای نمونه، تصویب قانون حمایت از ارقام گیاهی و طراحی قالب خاص حمایتی برای حمایت از گونه‌های گیاهی اقدامی مناسب و قابل دفاع به شمار می‌آید. با این حال، این رویکرد در قالب یک سیاست‌گذاری مدون و مشخص نبوده است؛ از این رو در سایر ابعاد راجع به ارتباط حقوق مالکیت فکری و امنیت غذایی، شاهد اقدام خاصی در ایران نبوده‌ایم، برخلاف آنچه در هند رخ داده است.

۱. این معاهده در نوامبر ۲۰۰۱ با امضای ۱۱۶ کشور موافق و رأی ممتنع ژاپن و آمریکا تصویب شد و از سال ۲۰۰۴ لازم‌الاجرا شد. هند نیز جزء اولین کشورهایی بود که این معاهده را به اجرا درآورد. برای دیدن متن رسمی این معاهده، ر.ک: (International Treaty on Plant Genetic Resources for Food and Agriculture: 2010)

2. Sui generis.

۳. مطابق این بند: «اعضا همچنین می‌توانند در مورد قابل ثبت بودن اختراعات، استثنائات زیر را قائل شوند: الف).... نباتات و حیوانات غیر از ارگانیزم‌ها و فرایندهای اساساً بیولوژیکی (زیستی) برای تولید نباتات یا حیوانات غیر از فرایندهای غیربیولوژیکی و میکروبیولوژیکی. البته اعضا برای حفظ گونه‌های نباتی از طریق ثبت یا به وسیله یک نظام خاص مؤثر یا ترکیبی از آنها، ترتیباتی مقرر خواهند داشت...».

4. Plant Variety Act, 2001.

نتیجه‌گیری

از آنچه در این مقاله آمد، نتیجه می‌گیریم که حقوق مالکیت فکری در اقتصاد دانش‌محور کنونی با مباحث حقوقی مرتبط است، اما بیش از آن، متأثر از اقتصاد سیاسی و سیاست اقتصادی کشورها، خصوصاً کشورهای توسعه‌یافته و دارای نفوذ در سازمان‌های بین‌المللی نظیر واپو و سازمان تجارت جهانی است. در این وضعیت، کشورهای درحال توسعه‌ای موفق خواهند بود که ضمن احترام به حقوق مالکیت فکری و ایجاد انگیزه در مبتکران و مخترعان، به‌ویژه نوآندیشان داخلی و انطباق با استانداردهای جهانی، نیازهای توسعه‌ای خود را در نظر بگیرند. کشور هند نیز با ترسیم و بهره‌گیری مناسب از اصول سیاست‌گذاری کارا در حوزه مالکیت فکری، توانسته است تا حد زیادی حقوق مالکیت فکری را در راه تأمین حقوق مخترعان و مبتکران در کنار تأمین نیازهای توسعه‌ای خویش به کار گیرد. به منظور تأمین نیازهای توسعه‌ای ایران و با عنایت به درس‌هایی که از تجربه کشور هند گرفتیم، توصیه‌های سیاستی زیر به سیاست‌گذاران مالکیت فکری کشورمان پیشنهاد می‌گردد:

۱. قانون‌گذار ما فقط در چارچوب موضوعات مشمول موافقت‌نامه تریپس به حمایت انحصاری از مصادیق حقوق مالکیت فکری بپردازد و از افزودن بر دایره مصادیق مشمول حمایت خودداری کند. لذا حمایت از مصادیق جدید چون کاربردهای جدید دارویی، با سیاست‌های توسعه‌ای ایران مغایر است. همچنین باید به حداقل‌های مقرر در موافقت‌نامه تریپس اکتفا کرد و از اعطای مدت حمایت بیشتر خودداری ورزید.

۲. در خصوص استفاده از ابهامات و استثنائات تریپس، متأسفانه قانون‌گذار ما در قوانین داخلی نتوانسته است به‌خوبی از این فرصت استفاده کند و همان‌گونه که گفتیم، تا قبل از درج این استثنائات در قوانین داخلی نمی‌توان از امکان مقرر در تریپس بهره گرفت. برای مثال، بسیاری از استثنائات وارد بر حقوق مالکیت فکری مانند امکان صدور مجوز اجباری در حوزه مالکیت ادبی و هنری و ... در قوانین ما دیده نمی‌شود. لذا پیشنهاد می‌گردد در اصلاحات قانون، ضمن شناسایی تمام نقاط ابهام و استثنای تریپس، آنها را وارد متن قوانین کرد. همچنین استفاده از عبارات مبهم در متن قانون که اجازه تفسیر متناسب با توسعه را به سیاست‌گذاران مالکیت

فکری ما می‌دهد، نظیر نظم عمومی، بهداشت عمومی، حفظ محیط زیست و نیازهای توسعه‌ای پیشنهاد می‌شود.

۳. در قبال حمایت از پخش‌های اینترنتی و قواعد ماهوی حق اختراع، فعالیت بیشتر در سازمان واپیو و داشتن همکاری مؤثرتر با کشورهای در حال توسعه برای اتخاذ موضع واحد در برابر کشورهای توسعه‌یافته توصیه می‌شود.

۴. در مورد حمایت از دانش سنتی و فرهنگ عامه، با توجه به وجود این سرمایه‌های عظیم در ایران و امکان کسب درآمد قابل توجه از این منابع، تلاش برای تصویب سندی بین‌المللی و نیز طراحی قالب مناسب حمایتی در سطح داخلی ضروری است.

۵. در حوزه اختراعات مضر برای محیط‌زیست، اولاً: اداره ثبت اختراعات ایران باید در کنار مدارک لازم برای ثبت اختراع، گواهی برخورداری از استانداردهای زیست محیطی را نیز از متقاضی ثبت مطالبه کند و از ثبت اختراعات مضر خودداری ورزد. همچنین در قانون ثبت اختراع، صراحتاً ثبت اختراعات مضر منع شود. در مورد اختراعاتی که در زمان ثبت، امکان تشخیص زیان‌های زیست‌محیطی آن میسر نبوده و بعدها در عمل احراز می‌گردد، می‌توان امکان ابطال ورقه اختراع را پیش‌بینی کرد. ثانیاً: سیاست صدور مجوز اجباری برای استفاده از فناوری‌های دوستدار محیط‌زیست یا انعقاد قراردادهای انتقال این فناوری، در دستور کار دولت قرار گیرد.

۶. در مورد سیاست‌گذاری در حوزه امنیت غذایی، باید نظام حقوقی حمایت از نوآوری‌های مرتبط با حوزه کشاورزی و منابع ژنتیکی به گونه‌ای طراحی شود که منافع کشاورزان تولیدکننده و منابع ژنتیکی حفظ شود. همچنین سهم عادلانه‌ای از منافع حاصل از فروش آن عاید ایران شود. در اظهارنامه ثبت نیز به منشأ ابداع، یعنی ایران تصریح شود تا از سرقت زیستی جلوگیری گردد.

منابع

فارسی

۱. حبیب، سعید، معتمدی، غلام‌حسین، «حمایت از دانش سنتی به عنوان یکی از اجزای حقوق مالکیت فکری»، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷۲، تابستان ۱۳۸۵.
۲. زمانی، سید قاسم، «اجلاس کپنهاک (۲۰۰۹) و ضرورت مقابله با تغییرات آب و هوایی»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
۳. صادقی، محسن، حمایت از ابداعات دارویی و الحاق به سازمان تجارت جهانی، تهران: میزان، ۱۳۸۷.
۴. _____، «مبحثی از مباحث حقوق و اقتصاد: چالش‌های حقوقی و اقتصادی ثبت "کاربرد جدید دارویی" برای کشورهای در حال توسعه»، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۰، شماره ۱، ۱۳۸۹.
۵. عبداللهی، محسن، «تغییرات آب و هوایی: تأملی بر راهبردها و تدابیر حقوقی سازمان ملل متحد»، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۰، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹.
۶. عزیزی مرادپور، حمید، سازوکارهای موجود در حوزه سیاست عمومی دولت‌ها در نظام بین‌المللی حق اختراع، رساله دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۹.
۷. «کنوانسیون رم»، ترجمه علیرضا محمدزاده وادقانی، حسن محسنی و محسن صادقی، مجله مؤسسه حقوق تطبیقی، شماره ۲، ۱۳۸۶.
۸. موسوی، سید محمدعلی، «اخلاق در جهان واحد: نقدی بر نظریه پیتز سینگر»، مندرج در: جهانی شدن و اخلاق: رویکرد بنگاه‌های اقتصادی، تهران: مرکز ملی مطالعات جهانی شدن، ۱۳۸۵.

لاتین

1. Balasubramanian Kumariah, Access to Medicines: Patents, Prices and Public Policy; Consumer Perspectives, in: **Global Intellectual Property Rights: Knowledge, Access and Development**, edited by: Peter Drahos and Ruth Mayne, (Oxfam, Palgrave Macmillan, 2002).
2. Cohen Daniel, **Globalization and Its Enemies**, (England: The MIT Press, 2006).
3. Colombet, Claude, propriété intellectuelle et artistique et droits voisins, 8^eéd, (Paris: Dalloz, 1997).
4. Commission on Intellectual Property Rights (CIPR), **Integrating Intellectual Property Rights and Development Policy**, (London: CIPR, 2002).
5. Committee on World Food Security, **Toward Universal Food Security, Draft Policy Statement**, Rome FAO, 1996, Para.
6. Correa Carlos, **Implementing TRIPs in Developing Countries**, Available at: <http://www.twinside.org.sg/title/ment-cn.htm>, 2007; last visited:24/06/2015.
7. Correa Carlos and Musungu Sisule, **The WIPO Patent Agenda: The Risks for Developing Countries**, Trade-Related Agenda, Development and Equity, Working Papers, No.12, South Centre, Available at: <http://www.wipo.org/wipo/scp/10/5>; Last visited: 24/06/2015.
8. Dernbach John C. and Kakade Seema, "Climate Change Law: An Introduction", **Energy Law Journal**, No.1, 2008.
9. Derclaye Estelle, "Intellectual Property Law and Global warming", *Marquette Intellectual Property Law Review*, Vol. 12, 2006.
10. Domeij Bengt, **Pharmaceutical Patents in Europe**, (Kluwer Law International, 2000).

11. Draft Basic Proposal for the WIPO Treaty on the Protection of the Broadcasting Organizations and Appendix on the Protection in the Relation to Webcasting, in: Fourteenth Session of Standing Committee on Copyright and Related Rights, Geneva, May1 to 5, 2006.
12. Fisher William, "Theories of Intellectual Property", in: Stephen R. Munzer, **New Essays in the Legal and Political Theory of Property**, New York: Cambridge University Press, 2001, Available at: <cyber.law.harvard.edu/people/tfisher/iptheory.pdf> last visited: 24/06/2015.
13. Ghosh Shubha, "The Fable of the Commons: Exclusivity and the Consntruction of Intellectual Property Markets, **University of California, Davis Law Review**, Vol.40, No.3, 2007.
14. Goutal Jean Louis, **Propriété Intellectuelle et Developement: la Remise en Cause de Notre Modèle**, Seminaire national de l'OMPI a' l'intention des professeurs des facultés de droit des universités de Téhéran 3.5 mai, 2004.
15. Habiba Saeed, "Right to Food and TRIPS: Finding the Balance", **The Journal of Humanities**, vol.9, No.4, fall 2002.
16. Hardin Garrett, "The Tragedy of the Commons", **Journal of Science**, vol. 162, 1968, 1243 &1244.
17. Heller and Eisenberg, Can Patents Deter Innovation? The Anticommons in Biomedical Research, **Journal of Science**, Vol.280, 1998.
18. **International Treaty on Plant Genetic Resources for Food and Agriculture**, Available at: http://www.wipo.int/wipolex/en/other_treaties/text.jsp?doc_id=141699&file_id=193082; last visited: 24/06 /2015.
19. Kumar Nagesh, Intellectual Property Rights, Technology and Economic Development: Experiences of Asian Countries, (New